

## نقش قرآن در فرهنگ و تمدن اسلامی

□ حسن علی محمودی<sup>۱</sup>

### چکیده

فرهنگ و تمدن به معنای پیشرفت و ترقی و تحول در سبک زندگی و تأثیرگذاری آن در باورها و اعتقادات بشرانکار پذیر نیست. هر جامعه نسبت به فرهنگی که دارند مسیر پیشرفت و تمدن را براساس فرهنگ و باورهای خودشان می پیمایند و به همان دید و وسعت نظرشان از تمدن و پیشرفت سخن می رانند. چنانکه اکثر تمدن ها و پیشرفت ها به اقوام خاص و یا اقلیم خاص نام برده میشود. در این راستا تمدن اسلامی از معدود تمدن هایی است که وابسته به اقلیم خاص و قوم خاص نیست. بدلیل جامعیت اسلام تمدن اسلامی باترویج فرهنگ اسلام فرا ملیتی و فرا اقلیمی است. تمدن اسلامی برگرفته از کلام وحی است یعنی قرآن سنگ زیربنای این تمدن را تشکیل میدهد. مراد ما در این مقاله از تمدن بناها و ساختمانها و محدود به پیشرفت های مادی نیست بلکه مراد ما از تمدن اسلامی بر اساس نگرش توحیدی، تمدنی است ایدیولوژیگ با مجموعه ای از ساخته ها و اندوخته های مادی و معنوی است که بشر را به سوی کمال معنوی و مادی دعوت نموده و قرآن در این تمدن نقش محوری دارد. از این رو در این نوشتار از نقش قرآن در تمدن اسلامی و چگونگی تأثیرگذاری آن در زندگی عمومی مسلمانان و سوق دادن مسلمانان در بخش آموزش های علمی و هنرهای اسلامی سخن گفته شده است.

**واژگان کلیدی:** فرهنگ، تمدن، اسلام، قرآن، هنر، اجتماع، تعاون، امنیت، شعر و ادبیات.

---

<sup>۱</sup> - فارغ التحصیل سطح چهار مجتمع آموزش عالی فقه، Mahmodi23sia@yahoo.com

## مقدمه

عموم تمدن‌ها با نام جغرافیایی محل تولد و رشد و نمو خود، خوانده می‌شوند که محدوده و ملیت واحدی را شامل می‌شدند. در کنار این‌ها تمدن اسلامی وجود دارد که از معدود و یا تنها تمدن دینی است که قرآن، سنگ آسیای شکل‌گیری آن می‌باشد؛ و از ویژگی‌های این تمدن جامع بودن و فراگیر بودن آنست که، ملیت‌های مختلف را در درون خود جای داده است. تمدن اسلامی حداقل در نگاه ما، وجود ساختمان‌ها و بناهای بزرگ و مجلل نیست. امروزه عموم تمدن‌های گذشته را با بناهای آن می‌شناسند و ساختمان‌هایی؛ مانند مسجد اموی و... را یاد بود تمدن اسلامی بر می‌شمارند. بلکه مراد ما از تمدن اسلامی در این بحث بر اساس نگرش توحیدی، تمدنی است ایدیولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی فرهنگ جامعه اسلامی است که انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد. بنا براین در این تمدن قرآن که کتاب آسمانی و قانون عملی مسلمان‌ها است بدون شک نقش بنیادی و محوری در فرهنگ‌سازی و تمدن اسلامی داشته و خواهد داشت. زیرا؛ مسلمانان با اعتقاد که به قرآن دارند با راهنمایی‌های قرآن مسیر تمدن اسلامی را می‌پیمایند.

## مفهوم شناسی، فرهنگ و تمدن

فرهنگ بر گرفته از ریشه فرهیختن است و در اصل از دو قسمت «فر» به معنای پیش و «هنگ» به معنای آهنگ کردن ساخته شده و مفهوم آن در زبان فارسی، ادب، هنر و علم آموختن است. برخی دیگر آن را به معنای ادب، علم، فضایل اخلاقی و انسانی و هنرمندی آدمی دانسته‌اند. در لغت نامه‌های قدیم، فرهنگ را عقل و دانش، اخلاق و فضیلت، علم و ادب، تربیت و تعلیم، بزرگی و فرزادگی، هنر و معرفت، حکمت و دیانت، بزرگواری و عظمت و یا مجموعه‌ای از علوم و فضایل دانسته‌اند. (دهخدا، ۱۳۷۸: مدخل فرهنگ)

فرهنگ دارای معانی متعددی است که در این جا به چند نمونه آن اشاره می‌کنیم:  
- فرهنگ را می‌توان رفتار ویژه نوع بشر و به عنوان جزء لاینفک رفتار او شناخت.

- فرهنگ به طور مشخص از زبان، افکار، اعتقادات، سنن، قراردادهای، سازمان ها، ابزار، روش های کار، آثار مذهبی، مراسم اجتماعی و غیره تشکیل می شود و بقاء و کار برد آن بستگی به قابلیت دارد که انحصارا در اختیار انسان است. (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۱: ۱۰)

- فرهنگ شامل تمامی عادات يك جامعه است یا اگر جامعه را مجموعه افراد سازمان یافته ای بدانیم که شیوه زندگی خاصی دارند، در این صورت فرهنگ شیوه ای از زندگی است و تمدن معرف ابزارهایی است که فرهنگ می تواند توسط آن ها تحقق یابد. (همان: ۱۹)

در فرهنگ فارسی معین معانی ذیل را برای آن بر شمرده است: ادب و تربیت دانش، علم، معرفت مجموعه آداب و رسوم. در زبان لاتین واژه (Culture) از کلمه (Cult و Cultivate) به معنی پرورش گیاهان زمین و به معنی وسیع تر پرورش، رشد و نمو آداب و رسوم و قواعد يك ملت است. بنابراین کلمه فرهنگ معادل مناسبی برای واژه (Culture) می باشد. (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۲۹۴)

مفهوم «فرهنگ» در اصطلاح جامعه شناسی عبارتند از: مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر. فرهنگ از دو بخش مادی و معنوی تشکیل شده است. فرهنگ مادی دلالت دارد بر کلیه ابزار و وسایلی که توسط بشر ساخته شده و چگونگی بهره برداری از آن ها. و فرهنگ معنوی اشاره به نهادها، باورها، ارزش ها و رسوم و میثاق انسان ها دارد. (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۴۰۰)

اصطلاح «تمدن» با این که کلمه ای عربی است، ولی در زبان عربی از واژه «الحضارة» به جای آن استفاده می شود و به معنای اقامت در شهر است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۴/ ۱۹۷) تعریف «تمدن» از جمله موضوعاتی است که پیرامون آن صحبت بسیار شده است. هم چنین عوامل تأثیرگذار در شکل گیری تمدن نیز، از جمله مباحث مهم می باشد.

«تمدن» که معادل واژه (Civilization) می باشد، اصطلاحا بر درجه ای از تکامل و غموض فرهنگی که جوامع بالنسبه معدودی بدان نایل می آیند، دلالت دارد. (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۱۷۹)

تمدن از ریشه «مدن» گرفته شده و معنای آن پذیرش مدنیت، شهر نشینی، خو گرفتن به آداب و اخلاق شهریان، پذیرش شهر و قانون و سایر شئون اجتماعی و همکاری افراد اجتماع با یکدیگر در امور مختلف اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی است. (دهخدا، ۱۳۷۸: ۴/ ۶۱۰۸)

برای تمدن تعاریف گوناگونی ارائه شده است و برای آن ارکان متعددی برشمرده اند که در شکل گیری و پایداری آن مؤثر بوده است و یل دورانت، تمدن را چنین تعریف کرده است: «تمدن به شکل کلی آن عبارت از نظامی اجتماعی است که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می شود و جریان پیدا می کند در تمدن چهار رکن و عنصر اساسی وجود دارد که عبارتند از:

پیش بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر، ظهور تمدن هنگامی امکان پذیر است که هرج و مرج و ناامنی پایان پذیرفته باشد. چه فقط هنگام از بین رفتن ترس است که کنجکاوی و احتیاط به ابداع و اختراع به کار می افتد و انسان خود را تسلیم غریزه ای می کند که او را به شکل طبیعی به راه کسب علم و معرفت و تهیه وسایل بهبود زندگی سوق می دهد.» (ویل دورانت، ۱۳۷۲: ۳/۱)

ابن خلدون از دانشمندان بزرگ اسلامی، اجتماع و تعاون، وجود دولت و قانون و نظم را از ارکان مهم تمدن دانسته است. (ابن خلدون، ۱۹۹۶م: ۲۱۷-۲۱۸)

به نظرایشان تمدن در واقع مجموعه ای از دستاوردهای بشری است که در طول تاریخ به جود آمده و از عناصر مختلف تشکیل شده و به وسیله ارکان متعددی پایدار و رونق پذیر است مهم ترین ارکان تمدن عبارت است از: علم و فرهنگ، نظم، امنیت و تعاون و همکاری (وحدت). علم، مهمترین ورکن اساسی تمدن است که انسان به تلقی و تولید آن مبادرت نموده، انسان طبعاً مدنی و تمدن آفرین است. ترقی و پیشرفت تمدن مرهون علم بشر است و عوامل مادی و معنوی تمدن به محور علم استوار است. فرهنگ نیز که جامع علوم و ادیان است از لایه های بنیادین تمدن است و موجودیت هر جامعه و هویت آن به آن وابسته است.

رکن دیگر تمدن نظم است چرا که وجود قانون و نظم در هر جامعه از ضروریات بقای آن جامعه است.

امنیت نیز از ارکان مهم تمدن بشمار می رود. امنیت در سایه حکومت و دولت و قانون و نظم حاصل می شود و دارای شئون متعددی از قبیل امنیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... است. رکن چهارم تمدن تعاون و همکاری (وحدت) است این عنصر در پیشرفت تمدن نقش عظیمی را ایفا کرده است

به طوری که اگر همکاری انسانها را منتفی بدانیم، جوامع از هم گسیخته و به بدویت منتهی خواهند شد. مدنیت و تمدن در سایه اجتماع و جمعیت پایبند به قانون محقق می شود و تفرقه از عناصر بدویت است.

### رابطه فرهنگ و تمدن

تمدن همواره با واژه فرهنگ در یک ردیف قرار می گیرد و برخی از اندیشمندان آنها را مترادف و تمدن را صورت پیچیده تر فرهنگ قلمداد کرده اند. در نگاه بعضی افراد، فرهنگ از حوزه دیگر تمدن است در حقیقت تمدن و فرهنگ هم در یکدیگر اثر می گذارند هم از یکدیگر اثر می پذیرند. فرهنگ زیر بنا و روح تمدن است و تمدن، بستر رشد و بالندگی فرهنگ است، درحقیقت تار و پود تمدن و فرهنگ در هم تنیده است. (فصلنامه پژوهش، ۱۳۷۶: ش ۴/۵۰) به عبارت دیگر فرهنگ روح پنهان هر مناسبات است آنچه که برپایه آن تمامی امور حیات فردی و جمعی انسان شکل می گیرد و تمدن وجه صوری و مادی حیات آدمی در عرصه خاک است مصداق خارجی و عینی از فرهنگ و همه باورهای یک ملت که در قالب مناسبات مادی خود را می نمایاند تمدن صورت مادی حیات انسان و فرهنگ روحی است که در کالبد تمدن دمیده می شود تا حرکت و جنبش آن را سبب شود.

بنابراین با توجه به مفهوم فرهنگ و تمدن روشن می شود که، تمدن به عنوان مجموعه ای از دستاوردهای بشری است که، در طول تاریخ به وجود آمده و از عناصر مختلفی تشکیل شده است. و فرهنگ به عنوان نظام ارزشی و اخلاقی به معنای عام شامل (عقاید، افکار، اندیشه ها، سیره ها و سنت ها...) حاکم بر جامعه و عصاره زندگی اجتماعی انسان، زیر بنا و روح تمدن به شمار می رود، پیشرفت تمدن و فرهنگ هر جامعه، مرهون روحیه جمعی افراد جامعه در سایه علم، قانون، نظم، امنیت، و آزادی است. در این راستا قرآن به عنوان کتاب هدایت در تمدن اسلامی نقش محوری خواهد داشت.

## تمدن اسلامی

عموم تمدن‌ها با نام جغرافیایی محل تولد و رشد و نمو خود، خوانده می‌شود که محدوده‌ای مشخص بوده و البته برداشتی متقابل از نام اقوام ساکن هر سرزمین نیز است؛ تمدن مصری در کنار رود نیل، تمدن هند در دره رود گنگ و سند، تمدن چین در دره رود زرد، تمدن بابل در کنار دو رود دجله و فرات، تمدن سریانی در سواحل مدیترانه، تمدن یونانی در سواحل مدیترانه، تمدن آریایی در فلات ایران و ... جملگی نام خود را از محل خیزش و یا اقوام خود برگرفته‌اند. (جان احمدی، ۱۳۸۶: ۲۷)

در کنار اینها تمدن اسلامی وجود دارد که از معدود و یا تنها تمدن دینی است که دین سنگ آسیای شکل‌گیری آن می‌باشد؛ به همین جهت، در این تمدن، اقوام ایرانی، عرب و رومی و از مناطق مختلف که امروزه تحت قاره‌های آسیا، آفریقا و اروپا خوانده می‌شود، شکل گرفته است. آغاز این تمدن با آغاز دعوت پیامبر اسلام (ص) کلیک خورده است.

تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که بسیاری از مؤلفه‌های آن از محوریت دین اسلام سرچشمه می‌گیرد. به دلیل وجود همین پسوندها، از یک سو قابلیت تحدید زمانی و تعریف معنایی دارد؛ زیرا آغاز و انجامش تقریباً مشخص است و از سوی دیگر، دارای گستردگی مفهومی و موضوعی بسیاری است که همه پیچیدگی‌ها، ظرایف و جهان‌شمولی دین اسلام را - به عنوان دینی الهی - در خود دارد. بدین ترتیب، تمدن اسلامی دارای همه ویژگی‌های تمدن الهی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) است و مؤلفه‌های آن دین، اخلاق، علم، عدالت، نظم و قانون، آزادی، و اصول دینی است. (همان: ۵۱-۵۲)

تمدن اسلامی با اساس نگرش توحیدی، تمدنی است ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد.

مقصود از «ساخته‌ها»، آن بخش از حیات تمدنی است که در شرایط عادی در جامعه وجود ندارد و انسان، آن را می‌سازد. مراد از «اندوخته‌ها» نیز آن چیزی است که از انباشتن تجربه‌ها و داده‌ها، دانش‌ها، قراردادهای و اختراعات گذشته جوامع بشری، تحت نفوذ حکومت اسلامی

به جامعه اسلامی به میراث رسیده است. بنابراین، فرهنگ و تمدن اسلامی مجموعه‌ای از همه آداب و رسوم، اعتقادات و باورها، سنن، معارف، علوم اسلامی و ذخایر مشترک مادی و معنوی است که در میان ملت‌های مسلمان وجود دارد. (شریعتی، ۱۳۵۹: ۱۲/۱۱-۱۳)

### نقش قرآن در فرهنگ سازی و تمدن اسلامی

چنان‌که اشاره شد فرهنگ و تمدن دارای ارکانی مانند: علم، تعاون و همکاری، امنیت، آزادی، است که فرهنگ و تمدن از آن مایه می‌گیرد. بنابراین در تمدن اسلامی باید دید که ارکان تمدن در قرآن چگونه و به چه صورت آمده است. و چگونه می‌تواند نقش محوری در تمدن اسلامی داشته باشد؟.

### الف) علم

یکی از ارکان تمدن علم است. قرآن کریم علم را محور اصلی کارنامه بعثت انبیای الهی ذکر نموده می‌فرماید: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره/۱۵۱)؛ کما اینکه از میان شما رسولانی برای شما فرستاد تا آیات الهی را برای شما بخوانند و شما را تزکیه نمایند و کتاب و حکمت را به شما بیاموزند و تعلیم دهند شما را آنچه که نمی دانستید. از نگاه قرآن علم آموزی نه تنها حسن دارد بلکه آورنده قرآن علم آموختن را به عنوان یک تکلیف بر مرد و زن واجب میدانند، در حدیث شریف می‌خوانیم: «قَالَ النَّبِيُّ (ص): طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ؛ طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان فرض است» (امام صادق(ع)، ۱۴۰۰: ۱۳).  
اینکه در حدیثی از رسول خدا(ص) می‌خوانیم که فرمود: «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَ مَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ؛ علم سه تا است؛ علم اصول دین، علم فروع دین، و علم اخلاق بقیه علوم فضیلت است.» (کلینی، ۱۳۷۵: ۱/۳۲).

این بیان رسول خدا(ص) اهمیت و ضرورت باقی علوم را نفی نمی‌کند. روشن است که اهمیت هر علمی به اهمیت موضوع آن علم است. علم اصول دین، علم فروع دین و علم اخلاق، برای

پیشرفت و ترقی انسان و برای انسان سازی و رسیدن به کمال و سعادت دنیوی و اخروی لازم و ضروری است. از این جهت از اهمیت بالای برخوردار است. سایر علوم که مفید و مورد نیاز جامعه است در اسلام واجب کفایی است. لذا اگر زمانی در علم پزشکی کسی تحصیل نکند و جامعه با کمبود پزشک مواجه شود قطعاً برای عده که توانایی دارند و زمینه تحصیل هم برای شان فراهم است واجب است یاد بگیرند و نیاز جامعه را رفع نمایند. اما سه علمی که رسول خدا (ص) عنوان نموده است برای هر فرد مسلمان لازم است که یاد بگیرد و بداند. در غیر آن رسیدن به کمالات معنوی و سعادت غیر ممکن است. چه بسا دور ماندن از علم اصول دین که تصحیح اعتقادات است به انحراف اعتقادی می انجامد و دور ماندن از علم فروع دین به معنای جاهل به تکالیف دینی است درحالیکه بریک فرد مسلمان لازم است تکالیف دینی اش را به مقدار لازم بداند؛ جاهل به علم اخلاق روش زندگی، تعامل با دیگران و چگونه زیستن را در چارچوب و قوانین اسلامی نمیداند. در نتیجه از رسیدن به کمالات مادی و معنوی به عنوان یک فرمسلمان باز میماند که این خود خسران بزرگی است.

اگر علم را به معنای دانستن مطلق بدانیم هر نوع آگاهی و معلومات را شامل می شود، دامنه علم گسترش پیدا میکند لذا دستور به یادگیری علم در اسلام همه علوم را شامل میشود. و منتهی از اینکه بعضی از علوم غیر مفید و یا ممکن است مضر و گمراه کننده باشد لذا از جهت بیهوده بودن و یا از جهت مضر بودن مثل کتب ضاله یاد گیری آن در اسلام منع میشود، در غیر آن یادگیری علوم مورد نیاز بر اساس اولویت مورد تحسین دین مقدس اسلام است. بنابراین تأکید اسلام برای آموختن علم سوق دادن بشر به سوی تمدن و پیشرفت است. از این رو به جرئت میتوان گفت دین اسلام یک دین تمدن ساز است تمدن اسلامی از عمل کرد مسلمانان به دستورات دینی شکل میگیرد.

## ب) نظم و قانون

یکی از ارکان تمدن نظم و قانون است که در این مورد قرآن، برای ایجاد نظم اجتماعی، تمام



قوانین مربوط به وظایف فردی و اجتماعی را بیان نموده اند؛ لذا میفرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/ ۲۵) به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند.

تشکیل اجتماع پیشرفته و متمدن مرهون نظم و قانون است. براساس آموزه های قرآن، اسلام تنها دینی است که بنیان خود را صریحا بر اجتماع نهاده و در هیچ شأنی از شؤون خود از مسئله اجتماع غفلت ننموده، روح اجتماع را در تمام احکام خود جاری نموده است. این مسئله باعث شد خیلی زود جامعه متمدن اسلامی با پشتوانه باورها و احکام اسلامی شکل بگیرد. در حالی که تا آن زمان به جز اجتماعات قومی و وطنی تحت سلطه شاه و یا رئیس قبیله وجود نداشت و راهنمایی نیز برای این اجتماع جز عامل وراثت و اقلیم نبود. (المیزان، ۱۴۱۷: ۴/۹۴-۱۰۸) با آمدن اسلام و گسترش دین مقدس اسلام در جامعه باعث شد که تمدن اسلامی در بین ملت ها بدون محدودیت قومی و قبیله ای و بدون محدودیت نژادی و اقلیمی توسعه یابد. از این رو نقش قرآن در شگل گیری تمدن اسلامی یک نقش محوری و بنیادی است که از جهت دامنه فراگیری آن به هیچ قوم و قبیله ای محدود نمی باشد.

### ج) تعاون و همکاری مردم

یکی دیگر از مؤلفه های تمدن، تعاون هم فکری و همکاری مردم جامعه است. قرآن، همکاری، هم فکری و تعاون را در سرلوحه فرمایشات خود قرار داده است. و در مقابل از عواملی که باعث عقب ماندگی و فروپاشی جامعه می شود هشدار داده است؛ لذا می فرماید: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائدهم ۲)؛ و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید.

### د) امنیت

امنیت اجتماعی نیز یکی از عناصر محوری تشکیل دهنده تمدن است. برقراری عدالت در زمینه های اجتماعی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی، رعایت حقوق یکدیگر، همکاری مردم بادولت، اتحاد و همبستگی و دوری از نفاق، برای امنیت در یک جامعه لازم و ضروری است. از

این رو قرآن باتأکید بر مؤلفه های امنیت اجتماعی نقش مهم و محوری در برقراری امنیت اجتماعی دارد. قوانینی را که قرآن برای بشریت اعلام نموده و دستور اجرای آن داده است زمینه مناسب و امنیت لازم را برای انسانها فراهم می نماید. بنابراین وقتی به فرمایشات قرآن عمل شود بدون شک آن جامعه از امنیت کامل برخوردار میگردد. به عنوان نمونه قرآن در رابطه با اتحاد و همبستگی که روح امنیت جامعه را تشکیل می دهد می فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید؛ و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این گونه، خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می کند، باشد که شما راه یابید.» (آل عمران/ ۱۰۳)

## ه) آزادی

خداوند انسان هارا آزاد آفریده است. از نگاه قرآن آزادی تضمین کننده بقای اصول و ارزش های انسانی و نظم اجتماعی است دین اسلام و تعالیم اسلامی با برخورداری از اصول محکمی چون عدالت و برادری و مساوات، تضمین کننده آزادی مقبول و معقول اند و مدنیت را به انسان تعلیم می دهد.

گوستاو لوبون چنین می گوید: «بعد از سیاحت در غرب و آشنایی با دین اسلام و کتاب آسمانی مسلمانان به این نتیجه رسیدیم که باید برخی از عقاید خود را عوض کنیم، زیرا افکار و خیالات ما راجع به مدنیت مساوات مطلقه، بسیارست و بی بنیادی است... زمانی فرا می رسد که مقررات غرب مربوط به شرق خواهد شد...». (گوستاولوبون، ۱۳۳۴: ۷)

بنابراین قرآن نقش بنیادی در عناصر تشکیل دهنده تمدن و فرهنگ اسلامی دارد و تمام ابعاد وجودی انسان را در بر میگیرد و تمدن بمعنای واقعی را که زمینه سعادت مادی و معنوی انسان را فراهم نماید برای انسان به ارمغان آورده است.

### چگونگی تأثیر گذاری قرآن در فرهنگ سازی و تمدن اسلامی

قرآن افزون بر نظام ویژه‌ای که برای تمدن اسلامی ارائه می‌کند، به‌گونه‌ای ملموس در جنبه‌های مختلف دوره‌های تمدن و زندگی اجتماعی مسلمانان اثرگذار بوده است. البته بیان این نکته لازم است که میان جامعه مطلوب قرآنی با جامعه تاریخی اسلامی همواره تفاوت‌هایی بوده و همه اصول بیان شده در کلام وحی در جوامع مسلمانان به اجرا درنیامده است (نصر، ۱۳۸۵: ۱۶۴) با وجود آن هم چگونگی اثرگذاری قرآن بر تمدن اسلامی را در مواردی می‌توان مورد توجه قرار داد.

#### یکم) در زندگی عمومی

مسلمانان به قرآن بسیار احترام می‌گذارند؛ آنان بدون وضو به خط آن دست نمی‌زنند و معمولاً برای تلاوت وضو می‌گیرند. آیات قرآن به فرهنگ عمومی مردم رسوخ کرده است؛ به‌کار بردن عبارات قرآنی، مانند «بسم الله الرحمن الرحيم» (نمل/۳۰) «الحمد لله» (حمد/۱)، «إن شاء الله» (کهف/۲۴) «سلام علیکم» (زمر/۷۳) در گفت و گوها از سوی مسلمانان گواه این مدعاست (نصر، ۱۳۸۵: ۴۱-۴۲)

تعیین ملائک تقوا برای برتری انسان‌ها سبب شده تا گروه‌های مختلف نژادی در سراسر عالم به اسلام گرایش داشته باشند. برخلاف تفاوت‌های فرهنگی و عقیدتی، قرآن همواره عامل وحدت و اشتراك همه مسلمانان بوده است (نصر، ۱۳۸۵: ۷۲)؛ برای نمونه مسلمانان در سراسر جهان، قرآن را به زبان عربی می‌خوانند (نصر، ۱۳۸۵: ۱۰۵)؛ در بسیاری از مناطق در مجالس یادبود درگذشتگان، مهمانان نسخه‌های چاپ شده قرآن را قرائت می‌کنند؛ همچنین کشورهای اسلامی مسابقات قرآن برگزار کرده و بدین‌گونه به نگهداری و ترویج روش‌های ویژه خود در فن قرائت می‌پردازند. در نگاهی دیگر با پیشرفت و دگرگونی رسانه‌ها حضور قرآن در جامعه شکل جدیدی به خود می‌گیرد. در بسیاری از کشورهای اسلامی مانند عربستان سعودی، مصر و مراکش قرائت قرآن به‌طور دائم از شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی پخش می‌شود. در برخی کشورها این کار در بخش‌هایی از روز انجام می‌گیرد؛ افزون بر این، رسانه‌ها و امکانات جدید،

مانند اینترنت و لوح‌های فشرده به راحتی بسیاری از برنامه‌های قرآنی شامل قرائت، حفظ و تفسیر را در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهند.

## دوم) درآموزش

جاذبه قرآن به اندازه‌ای بود که از همان روزهای نخست همه را به خود مشتاق کرد. افزون بر این، ترغیب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فراگیری و تعلیم قرآن این اشتیاق را دوچندان کرد (البخاری، ۱۴۰۷ق: ۱۹۱۹/۴). مردم برای شنیدن آیات وحی خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله یا صحابه ایشان می‌رساندند (السجستانی، بی‌تا: ۷۶/۳) (ابن اسحاق، ۱۳۸۱: ۴/۱۸۶ و ۲۱۴) و در صورتی که به آنها دسترسی نداشتند از رهگذران و کاروانیان می‌شنیدند (معرفت، ۱۳۷۵: ۲۳۹).

بر اساس دستور اسلام تازه مسلمان‌ها برای فراگیری احکام شرعی و خواندن نماز می‌بایست قرآن بیاموزند. با اجرای این دستور به مرور زمان شمار نومسلمانان افزایش یافت، افراد ویژه‌ای مأمور تعلیم قرآن شدند (البخاری، ۱۴۰۷ق: ۱۳۷۲/۳ و ۱۳۸۵؛ همان: ۹۱۲/۴) و در مواردی به دستور پیامبر (ص) به مناطق دیگر [برای تعلیم قرآن] سفر می‌کردند (معرفت، ۱۳۷۵: ۲۴۲-۲۴۳) قاریان قرآن در مسجد می‌نشستند و آیات را برای یکدیگر خوانده، به تصحیح قرائت یکدیگر می‌پرداختند در مواردی هم آموزش بخش‌هایی از قرآن مهریه همسران قرار می‌گرفت (البخاری، ۱۴۰۷ق: ۸۱۱/۲)، السجستانی، بی‌تا: ۲/۲۳۶)، معرفت، ۱۳۷۵: ۲۳۸). در دوره‌های بعدی نیز قرآن غالباً محور آموزش مسلمانان بوده است؛ برای نمونه در دولت عثمانی شمار مکتب‌خانه‌ها که بیشتر در کنار مسجد قرار داشتند، متعدد بود و شاگردان در آن قرائت درست قرآن را به‌عنوان نخستین درس فرا می‌گرفتند (ولایتی، ۱۳۸۲: ۲۶۷/۳)، (ابن خلدون، بی‌تا: ۵۳۷)؛ همچنین در برخی کشورها مدارس حفظ قرآن، اصول حفظ و تفسیر را به قرآن‌آموزان می‌آموختند (Encyclope diaofthe Qurn, Social Sciencesand the Qurn).

آیات فراوانی با کلیدواژه‌هایی مانند «اولوا الالباب» (آل عمران/۱۹۰) «علم» (زمر/۹)، عقل (بقره/۱۶۴) و «برهان» (نمل/۶۴) انسان را به تفکر و علم‌اندوزی تشویق کرده‌اند. برخی از آیات به مشاهده آسمان و زمین و پدیده‌های آن دعوت می‌کنند (ق/۶) و بعضی دیگر از او می‌خواهند به گردش در زمین و بررسی آثار تاریخی بپردازد (روم/۴۲)، از این رو کسب دانش به‌ویژه نجوم، ریاضیات و تاریخ میان مسلمانان اهمیت ویژه‌ای یافت. نهضت ترجمه نیز که از میانه قرن دوم شروع شد و به مدت دو سده ادامه داشت، پیامد ترغیب قرآن به کسب دانش بود (ولایتی، ۱۳۸۲: ۱/۸۵-۸۶).

افزون بر این، به‌مرورزمان، دانش‌های لغت، نحو، معانی و بیان، کلام متأثر از قرآن، تفسیر، قرائت، تجوید و دیگر علوم قرآنی در ارتباط با آن پدید آمدند. با آمیختن عرب و عجم و از بین رفتن خلوص زبان عربی، بسیاری از واژه‌ها دستخوش دگرگونی معنایی شدند، به‌گونه‌ای که فهم قرآن نیز دچار مشکل شد.

در نخستین گام خلیل بن احمد فراهیدی (م. ۱۷۵ ق.)، برای حفظ واژه‌های عربی، کتاب العین را نوشت (ابن خلدون، ۵۴۸)؛ اعراب نیز همداستان با لغت مورد توجه دانشمندان مسلمان قرار گرفت و ابوالاسود دوئلی (م. ۶۹ ق.)، نخستین قواعد آن را پایه‌ریزی کرد. سپس سیویه (م. ۱۸۰ ق.)، نخستین کتاب مبسوط نحوی را با عنوان الکتب تألیف کرد (ابن خلدون، همان، ۵۴۶). مسلمانان با هدف فهم اعجاز ادبی قرآن قواعد علم معانی و بیان را نیز تدوین کردند (قربانی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۷۷)؛ تفاوت برداشت‌ها از آیات اعتقادی (همان، ۵۳) و اختلاف بر سر قدیم یا حادث بودن قرآن سبب پیدایش تدریجی دانش کلام شد (تهانوی، ۱۹۹۶ م، ۲/۱۳۰۶-۱۳۰۸)

با گسترش اسلام در میان ملت‌های غیر عرب، آنان برای فهم قرآن نیاز به ترجمه داشتند. گرچه جریان ترجمه مخالفانی نیز داشت (المراغی، ۱۴۰۱ ق، ۲۳۱۳). اهتمام ایرانیان به قرآن؛ سبب شد تا از همان ابتدا کسانی به ترجمه قرآن بپردازند. گفته‌اند که سلمان فارسی نخستین مترجم قرآن بود که «بسمله» را به زبان فارسی برگرداند. (الزرقانی، ۱۴۱۶ ق، ۲/۱۱۴-۱۱۵)؛

(معرفت، ۱۳۷۵: ۶۵۳)؛ امروزه قرآن به زبان‌های گوناگون دنیا ترجمه شده است، (سلماسی زاده، ۱۳۶۹: ۹۰)؛ گرچه در مواردی خالی از غرض‌ورزی مترجمان و قصد تبلیغ بر ضد اسلام نبوده است (معرفت، ۱۳۷۵، ۶۵۳-۶۵۷).

در دوره نخست، مردم به سبب آگاهی از شأن نزول آیات و عرب زبان بودن، در فهم قرآن کمتر با مشکل برمی‌خورند؛ ولی با فاصله گرفتن از زمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌واسلام آوردن غیر عرب‌ها، مسلمانان بیش‌ازپیش به تفسیر آیات نیاز پیدا کردند. تأسیس دانش تفسیر و دیگر علوم مرتبط با قرآن، پیامد تغییر یاد شده در زندگی مسلمانان به شمار می‌رود. (قربانی، ۷۷)؛ برای نمونه دانش قرائت از شکل‌گیری قرائت‌ها از زمان نزول تا مرحله قرائت شاذ و نادر، اقسام قرائت‌ها از جهت مطابقت با قواعد عربی و رسم و سند آن، ریشه اختلاف‌ها و مانند آنها بحث می‌کند (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ۱۴۷۲).

در بخش‌هایی از جهان اسلام نیز مکتب‌هایی خاص در این رابطه پدید آمدند و برای مثال تا پایان قرن چهارم قمری مردم اندلس به پیروی از مصر و افریقیه به قرائت «نافع» به روایت «ورش» قرآن می‌خواندند (بجنوردی، ۱۳۷۲: ۱۰، اندلس - تاریخ).

از آنجاییکه روش درست خواندن قرآن مربوط علم تجوید میشود آموزش تجوید برای مسلمانان به عنوان یک علم مورد توجه قرار گرفت. تجوید قرآن دارای دو مرحله است:

۱- **مرحله نظری:** در بخش نظری از قواعد درست خواندن حروف و کلمات قرآن و دیگر مباحث آواشناسی گفت‌وگو می‌شود.

۲- **مرحله عملی:** در مرحله عملی هم قواعد را بر اساس استماع و ادا به افراد می‌آموزند (حداد عادل و دیگران، ۱۳۷۸: ۶/۶۰۲-۶۰۱).

با گذشت زمان و رونق دانش تفسیر، مفسران با رویکردهای گوناگون به تفسیر قرآن پرداختند. تفاسیر ادبی، کلامی، عرفانی، فقهی ... نمونه‌هایی از این دست به شمار می‌روند. در سده اخیر بسیاری از مفسران با پرداختن به جنبه‌های اجتماعی قرآن کوشیده‌اند تا مفاهیم آن را بیش‌ازپیش وارد زندگی مسلمانان کرده و از آن برای حل مشکلات و عقب‌ماندگی‌های

سده‌های اخیر جهان اسلام استفاده کنند. (سید قطب، م: ۱۳۸۶ ق.)، (آیت‌الله طالقانی م: ۱۳۹۹ ق.)، چنانکه علامه فضل‌الله و بسیاری دیگر از مفسران از این جمله‌اند. بنابراین آموزش کلام وحی و نقش و اهمیت آن در جنبه‌های مختلف در پیشرفت و شکوفایی فرهنگ سازی و تمدن اسلامی به صورت ملموس در بین مسلمانان قابل مشاهده است.

### سوم) در شعر و ادبیات

در بُعد شعر و ادبیات نیز، قرآن تأثیر فراوانی بر مسلمانان داشته است. از همان نخست شاعران تازه مسلمان عرب مانند حسان بن ثابت، کعب بن مالک و عبدالله بن رواحه با بهره‌گیری از مضامین وحی شعر می‌گفتند. (العسکری، ۱/ ۸۱)؛ (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰ ق: ۲/ ۴۵۴)؛ در سده‌های بعدی نیز کلام خدا الهام‌بخش شاعران مسلمان غیر عرب بوده است. در فارسی، رودکی (ولایتی، ۱۳۸۲: ۱/ ۳۱۰-۳۱۱)، فردوسی، سعدی (همان: ۳۱۳) مولوی (مثنوی معنوی، دفتر اول، ۴) و در ترکی ادیب احمد یوکنکی (م. قرن ۶ ق.) و خواجه احمد یسوی، م: ۵۶۲ ق.)، از این جمله‌اند (ولایتی، ۱۳۸۲: ۱/ ۳۲۵-۳۲۶). افزون بر این، ترجمه تفسیر جامع الشرایط طبری و نیز نگارش تفاسیری به نثر شیوای فارسی مانند روض الجنان ابوالفتوح رازی (م: ۵۵۴ ق) و کشف‌الاسرار رشیدالدین میبدی (م: ۵۲۰ ق) نمونه‌هایی از حضور قرآن در ادبیات دوره‌های اسلامی‌اند. گذشته از این، شاهکارهای ادب فارسی همچون گلستان سعدی و منشآت قائم مقام فراهانی از قرآن فراوان بهره برده‌اند (ولایتی، ۱۳۸۲: ۱/ ۳۲۲، ۳۲۴).

### چهارم) در هنر

قرآن در شکل دهی و الهام بخشی به هنرهایی که در بستر تمدن و تربیت اسلامی رشد کرده‌اند، تأثیر فراوان داشته است؛ آیات قرآن همواره به هنرهای اسلامی زینت بخشیده‌اند. هنر خطاطی دنباله قرآن نویسی در صدر اسلام بوده و در بستر نگارش آن رشد کرده است. در دوره نخست، خط عربی ساده و ابتدایی بود و نویسندگان، قرآن را با نوشت افزارهای ابتدایی (معرفت، ۱۳۷۵:

۲۱۳-۲۱۷) و خطی نازیبا و دارای غلط می‌نوشتند (ابن خلدون، ۴۱۹)؛ ولی با گسترش اسلام و بهبود نوشت افزار، پیشرفت خط، سیر تکاملی خود را پیمود و قرآن نقطه گذاری و اعراب گذاری شد. با گذشت زمان قرآن را به «جزء»، «حزب» و ... تقسیم کردند و در نسخه‌های آن مکی و مدنی و شماره آیات را می‌نوشتند. پس از این مرحله هنرمندان به تزیین و تذهیب در نگارش قرآن دست زدند، به گونه‌ای که عامه مردم آن را از لوازم جدایی ناپذیر نگارش پنداشتند. از اوایل قرن پنجم قمری نیز خط زیبای نسخ، جای کوفی را گرفت. (معرفت، ۱۳۷۵، ۴۷۸-۴۸۴)؛ معرفت، ۱۴۱۱: ۱/۴۰۴).

گنجینه‌های نفیسی از نسخه‌های خطی در مناطق مختلف اسلامی وجود دارد که به زیبایی قرآن را نگارش کرده‌اند. (معرفت، ۱۳۷۵: از صفحه ۴۹۳ به بعد). نوشتن آیات قرآن با خط خوش به اندازه‌ای اهمیت داشته که برای نمونه حاکم سلسله گورکانی هند، ظهیرالدین به ابر، خود قرآن را با خط زیبا نوشت و به کعبه هدیه کرد (علی اصغر حکمت، سرزمین هند، ۱۲۵)؛ افزون بر این، کاشی‌های رنگین ایرانی به شکل اسلیمی و با گل و بوته و آیاتی از قرآن تزیین شده و در مساجد و کاخ‌های پادشاهان به کار می‌رفته‌اند (هورست ولدمارجنس، تاریخ هنر، ۱۳۵۹: ۲۰۶)؛ (ولایتی، ۱۳۸۲: ۳/۱۴۸). سفارش قرآن به آباد کردن مساجد و قرارداد آن در ردیف نماز و زکات براساس آیاتی همچون «إِنَّمَا يَعْمرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ؛ مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و نماز برپا داشته و زکات داده و جز از خدا نترسیده‌اند، پس امید است که اینان از راه‌یافتگان باشند. (توبه/ ۹، ۱۸)، مشوق هنرمندان مسلمان برای خلق جلوه‌های هنری زیبا در مساجد بوده است.

با پیدایش صنعت چاپ، قرآن‌هایی ابتدا در برخی کشورهای اروپایی و پس از آن در کشورهای اسلامی به چاپ رسید. نخستین چاپ اسلامی قرآن از سوی مولا عثمان در پترزبورگ روسیه در سال (۱۲۰۰ هجری/ ۱۷۸۷ میلادی) انجام گرفت. امروزه در سراسر جهان اسلام چاپ و نشر قرآن با اشکال متنوع و زیبا صورت می‌گیرد (معرفت، ۱۴۱۱: ۱/۴۰۵ و ۴۰۶).



مسلمانان با اثرپذیری از کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علاقه ویژه ای به خواندن قرآن با صدای خوش داشتند (کلینی، ۱۳۷۵: ۲/۶۱۴-۶۱۶)؛ (بخاری، ۱۴۰۷: ۶/۲۷۴۳)؛ به همین دلیل فن نغمه‌شناسی یا صوت و لحن را ابداع کردند که از زیرمجموعه‌های تجوید است. متخصصان این هنر در سراسر جهان اسلام با توجه به معانی و موضوعات قرآن، الحان و نغمات متناسب با آن را به کار برده، حالت‌های متفاوتی مانند اندوه و سرور را در شنوندگان پدید می‌آورند (القبانی، ۱۹۹۱: ۱۱۱).

از سوی دیگر هنر اسلامی در ذات خود از آموزه‌های وحی الهام گرفته است. حضور فراوان «خلأ تصویر و نگارگری» در هنر اسلامی که به شکل ویژه در هنرهای تجسمی نمود بیشتری دارد، ثمره مبانی متافیزیکی توحید و شعار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (آل عمران/ ۳، ۲) است که پیام ناپایداری غیر خدا و وجود خدا در فراسوی همه واقعیت‌ها را القا می‌کند، از این رو جنبه‌ای از نیستی و خلأ در ذات هر موجودی ثابت می‌شود.

در آثار هنری، وجود خلأ و غیبت جسمانیت از يك سو و جنبه‌های مثبت فرم، رنگ و ماده از سوی دیگر بر وجه انعکاسی اشیا و نیز نشانه‌های واقعیت برتر جهان تطبیق می‌کنند. سبک اسلیمی با بسط و تکرار فرم‌ها با خلأ ارتباط برقرار کرده و چشم و ذهن را از سکون و ماندن در بند موضوعات جسمانی می‌رهاند و به تعبیری با گریز از تشبه به جسد، وحدت الوهی را القا می‌کند. این روش با خودداری از شمایل‌نگاری، حس حضور فرا زمانی و بی‌مکان بودن خدا را در بیننده ایجاد می‌کند؛ همان چیزی که آموزه وحی بر آن تأکید می‌کند که به هر سو رو کنید آنجا وجه خداست: «فَإَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ». (بقره/ ۲، ۱۱۵) معماری سنتی اسلامی با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها، کوچه‌ها، باغ‌ها، بازارها و مسجدهایی بنا کرده است که بدون حضور مادیت، امکان تجربه معنوی حضور الهی را برای بیننده فراهم می‌کند (نصر، ۴).

## نتیجه گیری

ارمغان جاودانه اسلام برای بشریت، فرهنگ و تمدن عظیم و تربیت جامعی بود که بشریت را برای همیشه وامدار خود نمود. در این تمدن و تربیت، قرآن کریم مرکز ادبیات مدون عرب و نقطه اساسی علم و علم‌آموزی بود. قرآن کتاب ارزشمند مسلمانان و جایگاه خاص و ویژه‌ای نزد آنها داشته است؛ به‌طور قطع تمدن و تربیت اسلامی برگرفته از تعالیم نورانی قرآن کریم است. قرآن در ارزش‌ها، آداب و سنن اخلاقی و اجتماعی و پایه‌های اعتقادی ملت‌های که بدان گرویده بود تحول و دگرگونی عمیق همه‌جانبه و فراگیر ایجاد کرد و دید آنها را نسبت به زندگی، حکومت و جهان تغییر داد. با استفاده از این ویژگی بود که مسلمانان توانستند در همان قرن نخست هجری و پیش از انتقال علوم دیگران، تربیت اسلامی یابند و خود صاحب فرهنگی اصیل، وسیع و عمیق باشند.

## کتابنامه

- ابن خلدون، عبدالرحمن ابن محمد، مقدمه ابن خلدون، بیروت: دارالمکتبه الهلال، ۱۹۹۶م  
ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد؛ مقدمه ابن خلدون؛ به کوشش علی عبدالواحد؛ قاهره؛  
دار نهضة مصر، بی تا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق، میردامادی، جمال‌الدین، بیروت، دار  
صادر، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق .
- بجنوردی، کاظم؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی؛ تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ، ۱۳۷۲.  
البخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، قاهره- مصر، ۱۴۰۷، اول.
- تهانوی، محمد؛ موسوعة کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم؛ بیروت: مکتبه لبنان ناشرون،  
۱۹۹۶ م.
- جان احمدی، فاطمه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، محقق، نجف، مهدی، ص ۲۷، قم،  
نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
- جعفرین محمد (امام ششم علیه اسلام)، مصباح الشریعه، بیروت، نشراعلمی، ۱۴۰۰ ق، اول.  
حداد عادل، غلامعلی و دیگران؛ دانشنامه جهان اسلام؛ تهران: بنیاد دائرةالمعارف  
اسلامی، ۱۳۷۸.
- حکمت، علی اصغر؛ سرزمین هند؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی؛ تهران: دوستان، ۱۳۷۷
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ محاضرات الادباء؛ به کوشش عمر الطباع، بیروت:  
دارالقلم، ۱۴۲۰ ق.
- الزرقانی، محمد عبدالعظیم؛ مناهل العرفان؛ لبنان: دارالفکر، ۱۴۱۶ ق.
- السجستانی، سنن ابی داود؛ به کوشش محمد محی‌الدین، قم: دارالفکر، بی تا.
- سلماسی زاده، جواد؛ تاریخ ترجمه قرآن در جهان؛ تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹،
- شریعتی، علی، مجموعه آثار (تاریخ تمدن)، دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار دکتر شریعتی،

طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷، پنجم.

العسکری، حسن بن عبداللّه؛ دیوان المعانی؛ بیروت: دارالجمیل، بی تا.

علی اکبر دهخدا، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ مدخل فرهنگ.

علیرضا شایان مهر، دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران، کیهان ۱۳۷۷.

علیرضا شایان مهر، دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران، کیهان ۱۳۷۷.

فرامرزی رفیع پور، آناتومی جامعه، تهران، ۱۳۷۸.

فصلنامه پژوهش، سال اول، ش، ۴ بهار، ۷۶ ص ۵۰

القبانی، عربی، محمد؛ کفایة المستفید؛ دمشق: دارالخیر، ۱۹۹۱ م.

قربانی، زین العابدین؛ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی؛ تهران: نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ به کوشش غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵.

گوستاو لوبون، تمدن اسلام و غرب، ترجمه سید محمد تقی فخر، تهران: انتشارات علمی،

۱۳۳۴.

محمد علی اسلامی ندوشن، فرهنگ و شیعه فرهنگ، تهران: یزدان ۱۳۷۱.

محمد علی اسلامی ندوشن، فرهنگ و شیعه فرهنگ، تهران: یزدان ۱۳۷۱.

المراغی، محمد مصطفی؛ بحث فی ترجمة القرآن الکریم؛ بیروت: دارالکتب الجدید،

۱۴۰۱ ق.

معرفت، محمد هادی؛ التمهید فی علوم القرآن؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۱ ق.

معرفت، محمد هادی؛ تاریخ قرآن؛ تهران: سمت، ۱۳۷۵

مولوی، مولانا جلال الدین بلخی، مثنوی معنوی، دفتر اول، بیجا، جاویدان، ۱۴۰۱ ش، ششم.

نصر، حسین؛ قلب اسلام؛ ترجمه: خرازی، تهران: نشر نی،

ولایتی، علی اکبر؛ پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران؛ تهران، مرکز اسناد و خدمات

پژوهش، ۱۳۸۲.

ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.

هورست، ولدمارجنس، تاریخ هنر؛ ترجمه: مرزبان، تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۵۹.